اخلاق در حوزه

خوف و رجاء در نظر امام سجاد علیه‌السلام

آیت‌الله شیخ عباس ایزدی رحمه‌الله

اگر خوف و ترس از معصیت باشد و رجا و امید به عفو و رحمت، نه از خوف، حالت ناامیدی به وجود می‌آید و نه رجاء دست‌آویزی برای معصیت می‌شود؛ بلکه محرک انسان می‌شود برای جبران اعمال گذشته.

حضرت زین‌العابدین علیه‌السلام در دعای ابوحمزه ثمالی به خداوند عرض می‌کند: «وَ ارْحَمْنی لِضَعْفی؛ سَیدی عَلَیکَ مُعْتَمَدی وَ مُعَوَّلی وَ رَجآئی وَ تَوَکُّلی وَ بِرَحْمَتِکَ تَعَلُّقی»؛ ای آقای من! به‌خاطر ناتوانی‌ام به من رحم کن! اعتماد و تکیه‌گاه من و امید و توکلم برتوست و به رحمت تو علاقه‌مندم.

ای پروردگار من! وقتی معصیت تو را کردم، چنین نبود که ربوبیت تو را منکر باشم و یا آن‌گونه هم نبود که فرمان تو را سبک بشمارم و متوجه عقوبت تو نباشم و وعید عذاب تو را ناچیز بشمارم؛ ولی خطایی پیش آمد و نفس اماره مرا فریب داد و عمل بد را در نظرم خوب جلوه داد و هوای نفس بر من غالب شد و بدبختی‌ام مرا در این خطا کمک کرد.

و پوشش آویخته رحمت تو بر من، مرا فریب داد و با قدرت و توانم تو را معصیت و مخالفت نمودم. پس حالا چه کسی مرا از عذاب تو نجات می‌دهد و فردای قیامت چه کسی مرا از دست ملائکه عذاب می‌رهاند.

اگر امید و رحمت به کرم تو نبود و اینکه مرا از ناامیدی نهی فرمودی، هر آینه هنگام یادآوری اعمال گذشته خود، ناامید از آمرزش می‌شدم.

امام سجاد علیه‌السلام در مقام دعا خوف سازنده‌ای را متذکر می‌شود که در عمل انسان تأثیر مثبت دارد و وی را وادار می‌کند که مواظب اعمال و رفتار خود باشد.

اما اگر خوف به این معنا باشد که دیگر-نعوذ بالله- خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هیچ‌کدام نمی‌توانند مرا بپذیرد، این سازنده نیست و مخرب است وانسان را از اصلاح و تغییر ناامید می‌کند. رجا هم ممکن است، سازنده باشد که در عمل انسان تأثیر مثبت داشته باشد و ممکن است، سازنده نباشد و شخص را به افراط در گناه و معصیت وادار کند.

منبع: اخلاق ایزدی ،آیت‌الله شیخ عباس ایزدی رحمه‌الله ، ص۲۸۲

با حضور رئیس مرکز خدمات حوزه

سالن ورزشی مجتمع آفتاب ولایت مشهد افتتاح شد

در خجسته ایام دهه کرامت، مجموعه سالن ورزشی مجتمع آفتاب ولایت مشهد، با حضور رئیس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه و معاونان ستادی افتتاح شد.

به گزارش خبرگزاری رسا، مجموعه ورزشی احداث‌شده در فضایی به مساحت ۵۰۰ مترمربع در طبقه منفی۲ مجتمع آفتاب ولایت مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

این مجموعه شامل دو سالن با کاربری ورزش بدنسازی و ورزش‌های رزمی (جودو) می‌باشد.

همچنین برای زنده نگه داشتن یاد و خاطر شهدای اخیر حرم مطهر رضوی و تقویت روحیه پهلوانی، این دو سالن مزین به‌نام شهیدان حجج‌اسلام اصلانی و دارایی نام‌گذاری شد.

گفتنی است، این سالن به تعداد ۲۰ دستگاه از انواع وسایل بدنسازی هوازی، کششی و قدرتی تجهیز شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین میرمحمدی، رئیس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه در مراسم افتتاحیه این مجموعه، با اشاره به ضرورت اجرای برنامه‌های ورزشی برای عموم افراد، خصوصاً طلاب و روحانیون، گفت: جامعه‌ای زنده و با طراوت خواهد بود که سالم و تندرست باشد و روحانیت نیز مستثنی از این موضوع نیست.

وی سالن ورزشی احداث‌شده را الگویی مناسب برای سایر استان‌ها ذکر کرد و از مدیران استانی خواست، با کمک خیران چنین فضایی ایجاد کنند.

کانال هفته‌نامه افق حوزه
در پیام‌رسان‌های
سروش و ایتا
@ofogh_howzah

پرس‌و جو

آیا قرآن کتاب جهانی است یا حجازی و عربی؟

با مطالعه قرآن کریم آشکارا به این نتیجه می‌رسیم که قرآن برای یک قوم خاص نازل شده است که آیات مورد مطالعه عبارتند از: «سوره ابراهیم، آیه ۴»؛ «سوره یونس، آیه ۴۷»؛ «سوره نحل، آیه ۳۶»؛ «سوره رعد، آیه ۷»؛ «سوره توبه، آیه ۱۲۰»؛ «سوره یوسف، آیه ۲»؛ «سوره طه، آیه ۱۱۳»؛ «سوره حج، آیات ۲۵ و ۳۴ و ۶۷»؛ «سوره شعراء، آیات ۱۹۵ و ۲۱۶-۲۱۴»؛ «سوره قصص، آیه ۴۶»؛ «سوره سجده، آیه ۳»؛ «سوره فصلت، آیه ۴۴»؛ «سوره شوری، آیه ۷» و «سوره زخرف، آیه ۳»؛ لذا چرا این اصرار وجود دارد که ما «ایرانیان فارس‌زبان» و دیگر ملل آن را بپذیریم؟

آیات قرآن دین اسلام را یک دین جهانی و فراگیر می‌داند؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿ان هوالاّ ذکر للعالمین﴾ در این آیه تأکید شده است که قرآن برای جهانیان نازل شده است. در آیه دیگر از پیروزی دین جهانی اسلام، بر همه ادیان خبر داده و می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ﴾؛[2] او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد.

برای جاودانی بودن قرآن کریم و دین مبین اسلام، دلایل فراوانی وجود دارد که بعضی از آنها عبارتند از:

• ۱. تازگی و اثربخشی قرآن در همه زمان‌ها

قرآن کتابی است که برای یک زمان نازل نشده است و الاّ با گذشت زمان، همه رازهای آن کشف می‌شد و جاذبه و تازگی و اثربخشی خودش را از دست می‌داد؛ حال آنکه می‌بینیم، زمینه تدبر و تفکر و کشف جدید، همیشه برای این دریای بی‌کران و مفاهیم بلند آن وجود دارد.

این نکته‌ای است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام آن را توضیح داده‌اند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: «مثل قرآن، مثل خورشید و ماه است و مثل آن دو همیشه در جریان است» (پس با گذشت زمان کهنه نمی‌شود).

امام رضا علیه‌السلام نقل کرده‌اند که از امام جعفرصادق علیه‌السلام پرسیدند: چه سری است که هرچه زمان بیشتری بر قرآن می‌گذرد و هرچه بیشتر تلاوت می‌شود، بر طراوت و تازگیش افزوده می‌گردد؟

فرمودند: برای اینکه قرآن تنها برای یک زمان و نه زمان دیگر و برای یک مردم و نه مردم دیگر، نازل نشده؛ بلکه برای همه زمان‌ها و همه مردم نازل شده است. بنابراین، خداوند متعال قرآن را طوری ساخته که در هر زمان و با وجود همه اختلاف‌هایی که در اندیشه‌های مردم به چشم می‌خورد، بر زمان‌ها و افکار پیشی گیرد و در هر عصری مفاهیم تازه‌ای از معارف بلند آن کشف شود.[3]

• ۲. ماندگاری قرآن به‌خاطر جای داشتن احکام اسلام در فطرت و نهاد بشر

قرآن کریم، احکام الهی را در نهاد بشر می‌داند و می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَتَ‌اللهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها﴾؛[4] توجه خویش را به سوی دین حق‌گرایانه، پایدار و استوار کن؛ به همان فطرتی که خدا مردم را بر آن آفریده است؛ پس طبق این آیه شریفه، احکام قرآن منطبق بر فطرت بشر بوده و همیشه باقی است.

• ۳. احکام اسلام و قرآن بیان‌کننده همه خواست‌های بشر

قرآن کریم، در این زمینه فرموده: ﴿نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ وَ هُدیً وَ رَحْمَةً وَ بُشْری لِلْمُسْلِمِینَ﴾؛[5] و این کتاب را که روشنگر هر چیز است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم.

هرچند که قرآن کریم، کتاب تربیت و انسان‌سازی است؛ ولی در آن همه چیز بیان شده و در آیات مختلفش پرده از روی قسمت‌های حساسی از علوم و دانش برداشته است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «خداوند در قرآن هرچیزی را بیان کرده است؛ به‌خدا سوگند! چیزی که نیاز مردم بوده است، کم نگذارد تا کسی نگوید: اگر فلان مطلب درست بود، در قرآن نازل می‌شد؛ آگاه باشید! همه نیازمندی‌های بشر را خدا در آن نازل کرده است.»[6]

در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «در این (قرآن) اخبار شما و اخبار گذشته‌ها و اخبار آینده‌ها و اخبار آسمان و زمین است و اگر کسی علمش را می‌داند، شما را به آنچه در قرآن است، خبر دهد، تعجب خواهید کرد.»[7]

البته نباید این مطلب را از نظر دور داشت که اسلام دارای دو نوع احکام و مقررات است:

یک) احکام و مقررات ثابت که بر اساس آفرینش انسان و مشخصات ویژه او استوار است؛ مانند یک قسمت از مقرراتی که عبودیت و خضوع انسان را نسبت به پروردگارش مجسم می‌کند و یا کلیات مقرراتی که با اصول زندگی انسان اعم از غذا، مسکن، ازدواج و... مربوط است و با دلایل یادشده ثابت شد که انسان برای همیشه به اجرای آنها نیازمند است.

دو) مقررات و احکامی که جنبه موقتی یا محلی و یا جنبه دیگری داشته و قابل تغییر است و به‌حسب مصالح مختلف زمان‌ها و مکان‌ها اختلاف پیدا می‌کند که به‌عنوان آثار «ولایت عامه» مطرح است و به‌نظر نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و جانشینان و منصوبین از طرف ایشان علیهم‌السلام و علمای دین وابسته است.[8]

• ۴. آیات قرآن بیان‌گر جهانی بودن قرآن کریم

آیات متعددی بر جاودانگی و جهانی بودن قرآن دلالت دارند که از آنها می‌توان جامعیت دین اسلام را ثابت نمود:

۴-۱. جهانی بودن دین خاتم و جامعیت آن

برخی از آیات قرآن، اسلام را دین جهانی معرفی می‌کند که خداوند آن را برای تمام بشریت هدیه کرده است؛ نه برای یک گروه و یا منطقه خاصی، مانند: ﴿قل یا ایّها الناس انی رسول‌الله الیکم جمیعاً﴾؛[9] بگو ای مردم! من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.، ﴿و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین﴾؛[10] و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده‌ایم.

لازمه جهانی بودن دین خاتم آن است که متناسب با جوامع مترقی دیگری غیر از جامعه جزیرةالعرب که نیازهای بشری داشته و معارف در سطح بالاتری را می‌طلبید، نیز سخنی داشته باشد تا مایه هدایت و راهنمایی آنها نیز باشد و این امر شاهدی بر جامعیت دین اسلام است.

۴-۲ جاودانگی دین خاتم و جامعیت آن

یکی از ویژگی‌های دین خاتم که آن را از سایر شرایع دیگر ممتاز می‌کند، «جاودانگی» آن است که ظهورش توأم با پایان یافتن و مختومه شدن دفتر نبوت بوده است و احکام و تعالیم آن، برنامه حیات‌بخشی را برای تمام انسان‌ها در طول اعصار ارائه می‌دهد.

﴿ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول‌الله و خاتم النبیّین﴾؛[11] محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست؛ ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.

﴿تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیراً﴾[12]؛ بزرگ و خجسته است کسی که بر بنده خود فرقان (= کتاب جدا سازنده حق از باطل) را نازل فرموده، تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد.

حال که قرآن آخرین دین الهی و آورنده آن خاتم پیامبران و تعالیم و احکام آن سند هدایت برای کل آدمیان است و انسان‌ها نیز مکلف به وفاداری دائمی به آن هستند، چنین انتظاری پیش می‌آید که اسلام باید برای تمام انسان‌ها در اعصار مختلف سخن داشته باشد و زمینه هدایت همه جوامع حتی پیچیده‌ترین آنها را فراهم و سعادت دنیوی و اخروی آنها را تأمین نماید.

البته آیات دیگری نیز برای جامعیت دین خاتم مورد استناد قرار گرفته مانند آیاتی که تبیان بودن برای هر چیزی را در قرآن بیان می‌کنند:

﴿و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکلّ شیء و هدی و رحمة و بشری للمسلمین﴾[13]؛ و این کتاب را که روشن‌گر هر چیزی و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم.

یکی از صفات عمومی قرآن این است که بیان هر چیزی است و به‌تعبیر خود قرآن ﴿تبیان لکل شیء﴾ است و از آنجا که قرآن کتاب تربیت و انسان‌سازی است و برای تکامل فرد و جامعه، در همه ابعاد معنوی و مادی نازل گشته، منظور از ﴿کل شیء﴾ در این آیه، همه اموری است که برای پیمودن این راه هدایت لازم است.[14]

به بیان دیگر آنچه که در سعادت و هدایت انسان تا روز قیامت مؤثر است؛ اعم از مسائل ارزشی و اخلاقی، معارف حقیقی مربوط به جهان‌بینی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و یا مسائل مربوط به جهان هستی، در آن بیان شده است.[15]

روایات فراوانی نیز از معصومین درباره جامعیت دین خاتم نقل شده که ما در اینجا فقط به ذکر برخی از آنها اکتفا می‌کنیم:

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در سفر حجةالوداع فرمود: ای مردم! هیچ چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک و از آتش جهنم دور کند، مگر آنکه شما را به آن امر نموده‌ام و هیچ چیزی نیست که شما را به آتش جهنم نزدیک و از بهشت دور کند، مگر آن که شما را از آن نهی کرده‌ام.[16]

از امام صادق علیه‌السلام نیز نقل شده که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی قرآن را بیان‌گر هر چیزی قرار داده است؛ حتی به‌خدا سوگند که رها نکرده چیزی را که بندگان خدا به آن احتیاج داشته باشند تا آنجا که کسی نمی‌تواند بگوید: ای کاش! خداوند آن را در قرآن بیان می‌کرده و نکرده است.[17]

• ۵. چند تصور درباره لسان قوم

۵-۱. استفاده از زبان قوم، یعنی استفاده از لغت ایشان

به این معنا که اگر مردم عبری‌زبان باشند، پیامبر آنان به عبری سخن می‌گوید. اگر مردم آرامی‌زبان باشند، پیامبر آرامی سخن می‌گوید و اگر عرب باشند، به عربی.

۵-۲. استفاده از زبان مردم، یعنی رعایت سطح و افق فکری

به‌عبارت دیگر، اگر مردم در موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی و تاریخی باشند، پیامبر برای تبیین دقیق صورت‌ها و ساختارهای کلام، افزون بر این که از زبان آنان استفاده می‌کند، در سطح و افقی سخن می‌گوید که برای آنان قابل فهم باشد. مفاهیم و معانی کلام در سطحی است که زمینه ارتباط میان پیامبر و شنوندگان به‌راحتی ارتباط برقرار می‌شود. الفاظ در جایگاهی قرار دارد که معلومات و تجربیات مردم با آن وفق داده می‌شود؛ زبان پیامبر در قالب مفاهیمی است که آگاهی آنان اجازه می‌دهد.

۵-۳. استفاده از هویت اجتماعی و مشخصه‌های آن مردم

لسان قوم علاوه بر لغت قوم و سطح افق فکری مخاطبان، باید در قالب مفاهیمی باشد که هویت اجتماعی و مشخصه‌های آن عصر اقتضا می‌کند که پیامبر مأمور به سخن گفتن با آن مشخصه‌ها می‌باشد. این زبان ظرف و قالبی بیرونی دارد و منعکس‌کننده هویت اجتماعی و مشخصه‌های مردم است؛ اما چند چهره است؛ یعنی در عین حال که پیامبر سطح دریافت مردم زمان خود را لحاظ می‌کند و الفاظ در قالب آن افق فکری ریخته می‌شود؛ اما به‌گونه‌ای است که در همان دوران و زمان محدود نمی‌شود و در آن قالب محصور نمی‌شود و می‌تواند، با هویت‌های دیگر و مخاطبان گوناگون ارتباط برقرار کند.

بنابراین مراد از زبان قوم؛ یعنی در عین اینکه لسان قوم معنای ابتدایی و متبادر لغت قوم را دارد، کلام پیامبر و سخن وحی در سطحی ارائه شده که بتواند، برای مخاطبان خود قابل فهم باشد. پیامبران مانند فلاسفه و مصلحین نیستند که بخواهند، برای گروهی خاص سخن بگویند. پیامبران برای توده‌های مردم مبعوث شده‌اند و هدف اصلی آنان هدایت جامعه و گروه‌ها و اقشار گوناگون است؛ لذا باید به‌گونه‌ای مطالب را ادا کنند که قابل استفاده برای همگان باشد.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه ضمن اینکه می‌پذیرد، معنای لسان قوم به‌معنای لغت قوم است، به این آیات استناد می‌کند که خداوند درباره قرآن می‌فرماید:

- ﴿بلسان عربی مبین﴾[18]
- ﴿و هذا لسان عربی مبین﴾[19]

و منظور از قوم را هم آن جماعتی می‌داند که پیامبر در میان آنان زندگی می‌کند، با آنان حشر و نشر و سر و کار دارد، نه اینکه اصل و نسبش از جایی باشد و در جایی دیگر زندگی کند؛ اما بر این نکته تأکید دارد که خداوند اگر پیامبری را می‌فرستد، با زبان عادی آن جماعت سخن می‌گوید و محاورات و مکالمات او متناسب با فهم توده مردم است تا بتواند مقاصد وحی را به‌خوبی بیان کند.[20]

بنابراین اگر گفته می‌شود، زبان قوم نه فقط به‌معنای لغت قوم است؛ بلکه اسلوب محاوره و سخن گفتن است که حال مخاطب و شرایط درک و فهم وی را رعایت می‌کند.

اتفاقاً این معنا و تعبیر در شعر شاعر آمده و حاکی از توجه به این نوع از زبان است:

چون به کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد

زبان کودکی، نه به‌معنای برگزیدن لغتی خاص است؛ بلکه انتخاب افق و سطح کلام است. افزون بر این روایاتی که از پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده، مبنی بر اینکه پیامبران به‌اندازه درک مردم سخن می‌گویند، شاهد بر این مدعاست؛ زیرا ممکن است کسی عربی بداند؛ اما متناسب با فهم و درک مخاطب سخن نگوید؛ لذا زبان قوم نیست.

بر همین اساس در روایات می‌خوانیم :

- «ما کلم رسول‌الله العباد بکنه عقله قط؛[21] هرگز پیامبر خدا با مردم با کنه عقل خود سخن نگفته است.»
- «نحن معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم؛[22] به ما جمعیت پیامبران دستور داده شده که با مردم به‌اندازه درکشان سخن بگوییم.»

بنابراین، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای مخاطبان طوری سخن گفته است که از شنیدن آن احساس غربت نکنند. از واژگان و مفاهیمی استفاده کرده که در عرف آن جامعه، مطرح بوده و از فرهنگی گرفته که با آنان مأنوس بوده و سطح گفتار مألوف و مفهوم با فهم مخاطبان و متلائم و مناسب با آنان بوده است. به‌همین دلیل ارتباط برقرار شده و فاصله‌ای میان پیام و آنان حاصل نشده است و این بدان معنا نیست که فقط عرب زبان‌ها، مخاطب قرآن هستند؛ بلکه کل بشریت می‌تواند با ترجمه قرآن به زبان خود، معارف آن را درک نموده و برای سعادت خود از آن بهره‌مند شود؛ لذا لزومی ندارد که حتماً فارس‌زبان‌ها پیامبری فارس‌زبان داشته باشند و قرآن را نپذیرند.

منبع: مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه

• پی‌نوشت‌ها

۱.کویر/۲۷؛ ۲.صف/۹؛
۳. میزان‌الحکمة، محمدی ری‌شهری، ج۸، ص۷۰، ح۱۶۱۳۵، مرکز نشر اسلامی؛
۴. روم/۳۰؛ ۵. نحل/۸۹؛
۶. حویزی عروسی، عبدعلی، نورالثقلین، ج۳، ص۷۴؛
۷. کلینی، محمد، اصول کافی، ج۲، ص۵۶۴، دارالتعارف؛
۸. ر.ک: فرازهایی از اسلام، علامه طباطبایی، ص۶۹.۴۷، نشر جهان‌آرا؛ در ساحل اندیشه، آیت‌الله سبحانی، ص۱۴۰، نشر توحید؛
۹. اعراف/۱۵۸؛ ۱۰. انبیاء/۱۰۷؛ ۱۱. احزاب/۴۰؛
۱۳. ر.ک: فرقان/۱؛ یوسف/۱۰۴؛ ۱۳. نحل/۸۹؛
۱۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، ج۱۱، ص۳۶؛
۱۵. مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، قم، انتشارات مدرسه معصومیه، بی‌تا، ج۲، ص۱۷۲.۱۶۳؛
۱۶. کلینی، محمد، اصول کافی، کتاب فضل العلم، ج۱، باب ۱۸، حدیث ۵؛
۱۷. حویزی، نورالثقلین، قم، مطبعةالحکمه، ج۳، حدیث ۱۷۴، ص ۷۴؛
۱۸. شعراء/۱۹۵؛ ۱۹. نحل/۱۰۳؛
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۶، چاپ بیروت؛
۲۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳ کتاب العقل والجهل، حدیث ۱۵؛
۲۲. غزالی، احیاءالعلوم، ج ۱، ص ۹۹ و مدرک پیشین.